

## چکیده

تعرّضات جنسی امری جهانی بوده که در تمام کشورهای جهان کم و بیش مشاهده می شود. این تعرّضات در اغلب موارد دارای تبعات منفی برای قربانی، تأثیرات سوء متعدد بر اطرافیان وی و نهایتاً اجتماع می باشد. قربانیان این دسته از اعمال را اغلب اطفال و زنان تشکیل می دهند؛ اما امروزه شاهد گسترش تعرّضات جنسی علیه مردان نیز می باشیم. این تعرّضات دارای گستره‌ی وسیعی از اعمال مجرمانه و تعدّی‌گرانه‌ی جسمی و غیرجسمی است که شیوع آن نه مربوط به عصر حاضر بلکه ریشه در تاریخ تمدن بشری دارد. عوامل و دلایل گوناگونی در بروز این جرایم دخیل است و راهکارهای متفاوتی برای جلوگیری از وقوع آنها توسط حقوقدانان و جامعه شناسان ارائه شده است؛ اما یکی از اصلی ترین مسائل واکنش جامعه در برابر این دسته از جرایم، تصویب و تدوین قوانین جزایی برای برخورد با مرتکبین آنها می باشد. از همین رو همیشه این پرسش وجود داشته است که آیا قوانین جزایی تمامی مصادیق تعرّضات جنسی را جرم انگاری کرده اند؟ آیا تعاریف و شرایط قانونی ارائه شده، درست، کامل و جامع است؟ آیا واکنش جزایی پیش بینی شده تناسب با جرم ارتكابی دارد؟ این چالش ها و سؤالات این دغدغه را ایجاد می کند تا حقوقدانان و قانونگذاران سعی در تنظیم قواعد جامع و مانع در برخورد با این دسته از جرایم نمایند و لازمه‌ی این کار را مطالعه تطبیقی قواعد و مقررات موجود در نظام های کیفری مختلف و مقایسه‌ی مواضع اتخاذی توسط آنها برای بدست آوردن یک رویکرد مناسب و جامع و تصویب یک قانون بی نقص یا کم نقص برای واکنش در برابر وقوع این جرایم می دانند؛ تا بدین وسیله هم به شکل کارآمدتری جلوی ارتكاب این جرایم گرفته شود و هم به درستی به حمایت از حقوق و آزادی های قربانیان این تعرّضات بپردازند.

**واژگان کلیدی:** تعرّضات جنسی، مجازات، اعمال منافی عفت